

## انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد

ابراهیم تقی زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران [Taghizaadeh@gmail.com](mailto:Taghizaadeh@gmail.com)

محمدعلی طاهری

عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند

علیرضا امام دادی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان خراسان جنوبی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۲۰

### چکیده

شیوع بیماری ایدز در سال های اخیر و عدم امکان درمان آن باعث شده تا انتقال و سرایت این بیماری بتواند به عنوان عاملی برای ارتکاب جنایت باشد. جرایمی که در نتیجه انتقال ویروس ایدز ارتکاب می یابد با توجه به عوارض ناشی از آن متفاوت است. چنانچه انتقال این ویروس، باعث مرگ قربانی شود، عمل فرد انتقال دهنده با توجه به قصدش ممکن است قتل عمد، شبه عمد، یا خطای محض باشد. از طرف دیگر چون صدمات و آسیب های ناشی از انتقال اچ. آی. وی. بعد از طی مدت زمانی نسبتاً طولانی بروز می کند، شایسته است عمل انتقال این بیماری کشنده در طول این مدت نیز ذیل عنوان کیفری مناسبی، تحت تعقیب قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ایدز، شروع به قتل، جرم عقیم، ارکان جرم.

بیماری لاعلاج ایدز یکی از خطرناک ترین بیماری هایی است که بشر از آغاز زندگی در این کره خاکی تا به حال با آن رو به رو شده است. عامل این بیماری با حمله به سیستم دفاعی و ایمنی بدن و ایجاد اختلال در آن فرد مبتلا را در مقابل انواع بیماری ها و عفونتها تضعیف نموده و نهایتاً باعث مرگ او می شود. همچنین فاصله زمانی آلوده شدن بدن به این ویروس تا بروز مرگ ناشی از آن، ممکن است بین ۵ تا ۲۰ سال باشد و هنوز هیچ معالجه ای نیز برای این بیماری کشف نشده است. (عزیز محمدی و دیگران، ۱۳۸۰، ۳) لذا این ویروس کشنده می تواند به عنوان عاملی برای ارتکاب سنگین ترین جرم علیه تمامیت جسمانی اشخاص یعنی جرم قتل، محسوب شود. و چنانچه قصد آلوده کردن دیگران با این بیماری کشنده به اثبات برسد عمل متهم از نظر اخلاقی فرقی با دیگر کشی ندارد (عباسی، ۱۳۷۹، ۱۵۱).

از آنجایی که انتقال ویروس ایدز بلافاصله باعث حدوث صدمه و آسیب بر بدن قربانی نمی شود. بلکه بعد از طی یک مدت زمانی عوارض خود را نشان می دهد، سوالی که مطرح می شود این است که انتقال این عامل کشنده تا قبل از به وجود آمدن عوارض آن از جمله مرگ که نتیجه نهایی آن است، تحت چه عنوانی قابل تعقیب می باشد؛ مسلماً با توجه به سنگینی جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص و این که مرتکب حالت خطرناکی را از خود بروز داده و از طرفی بعد از شناسایی عامل انتقال ویروس ایدز و آلوده شدن قربانی به این بیماری باید انتظار وقوع نتایج ناشی از آن را داشت، لذا رها کردن چنین فردی به مصلحت نمی باشد. به همین دلیل در اکثر کشورها شروع به ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی به ویژه قتل، جرم و قابل مجازات است. با توجه به این که شروع به جرم معمولاً در زمره جرائم ناقص قرار می گیرد و از طرفی نهاد مشابه دیگری تحت عنوان جرم عقیم یا شروع به جرم کامل نیز در همین دسته از جرائم جای دارد برای اینکه بدانیم انتقال ویروس ایدز تا قبل از وقوع نتایج آن تحت کدام یک از عناوین فوق قابل پیگیری و مجازات است، ابتدا به تعریف و بررسی ارکان آنها پرداخته و در پایان نتیجه گیری می نماییم.

## ۱- شروع به جرم و ارکان آن

شروع به جرم وقتی است که شخص با قصد ارتکاب جرم و گذر از مقدمه جرم شروع به اجرای آن کند اما نتیجه مقصود و جرم منظور به دلیل بروز عامل خارجی که مانع ادامه ارتکاب

### انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد/۳

جرم می گردد، واقع نشود (ایمانی، ۱۳۸۲، ۳۰۸). به عبارت دیگر شروع به جرم هر عملی است که بیش از صرف اقدامات مقدماتی است که برای ارتکاب جرم قصد شده باشد (Martin, 2005, 38) در حال حاضر شروع به جرم اگر برای آن مجازات تعیین شده باشد یا آن مقدار عمل انجام شده فی نفسه جرم باشد قابل تعقیب و مجازات است (اباذری فومشی، ۱۳۸۶، ۲۰۸). همچنین در خصوص موضوع، لازم است که عملیات اجرایی جرم آغاز گردد و از مرحله قصد ارتکاب جرم و تهیه ابزار جرم و تمهید مقدمات آن گذشته باشد. والا شروع به جرم محقق نمی گردد؛ زیرا حقوق جزا افراد را به صرف قصد ارتکاب جرم قابل مجازات نمی شمارد، اما عملی را که به قصد ارتکاب جرمی واقع شود و به نتیجه نرسد، به همان اندازه که به نتیجه رسیده باشد قابل سرزنش می داند. کسی که سعی می کند دیگری را بکشد اما به دلیلی موفق نمی شود، احتمالاً به اندازه کسی که به این کار موفق شده، مقصر و به همان اندازه خطرناک است (Elliott and Quinn:1996, 187).

\***رکن مادی:** باتوجه به تعاریف قانونی که درباره شروع به جرم در نظام های کیفری وجود دارد، رکن مادی آن شامل دو جز است:

- ۱-۱ شروع به اقدامات اجرایی که مورد پذیرش کلیه نظام های کیفری است.
- ۱-۲ دخالت عامل خارجی یا انصراف غیر ارادی مرتکب.

#### شروع به اجرا:

در تمامی موادی که درباره شروع به جرم وجود دارد از جمله مواد ۴۱ و ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی، تصریح شده است که مرتکب شروع به اجرای جرم نماید. ولی مشخص نشده که چه زمانی عمل ارتكابی بزهکار شروع به اجرا به حساب می آید. شروع به اجرا «مرحله انتقال از میدان اباحه و جواز به میدان منع و عقاب است» (فرهودی نیا، ۱۳۸۱، ۵۰) شاید گوناگونی فعالیت انسان و فراوانی اشکال و صور آن ارائه تعریف از اعمال اجرایی و یا شمارش آنها را مانند اعمال مقدماتی ناممکن و محال به نظر آورد. به همین جهت این بحث باعث بروز نظریه های مختلف برای ارائه معیارهای اجرایی شده است. به طوری که عده ای با توسل به نظریه موضوعی یا مادی معتقدند اگر عمل جزء و یا داخل در اعمال سازنده رکن مادی جرم باشد ارتکاب آن شروع به اجرا محسوب می شود در غیر این صورت ارتکاب آن شروع به اجرا به حساب نمی آید در واقع طبق

#### ۴ / فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱

این نظریه به اعمالی که ارتکاب یافته توجه می شود نه به نیت و قصد شخص مرتکب لذا این اعمال باید مستقیماً مربوط به جرمی باشد که شروع به اجرای آن می شود و همچنین بیش از صرف اعمال مقدماتی باشد (Padfield, Barker 2000, 298).

از طرفی عده ای نیز با ارائه تئوری ذهنی شروع به اجرا را هنگامی محقق می دانند که اعمال ارتكابی مرتکب تا حین دستگیر شدنش تصمیم خلل ناپذیر او را در ارتکاب جرم نشان دهد به عبارت دیگر در این نظریه وقتی اعمال ارتكابی کاشف قصد و تصمیم قطعی مجرم برای ارتکاب جرم باشد، آن اعمال شروع به اجرا محسوب می شود، ولو اینکه فاصله میان آن اعمال تا جرم زیاد باشد و جزء ارکان جرم نباشد (افراسیابی، ۱۳۸۲، ۲۸۵). و در نهایت بعضی با اتخاذ راهکاری در جهت استفاده از هر دو نظریه بوده و با ارائه تئوری تلفیقی معتقدند هر گاه اعمال ارتكابی قابل حمل بر اغراض و مقاصد متعدد باشد شروع محسوب نمی شود. لیکن اگر جز انجام جنایت مورد نظر بر مقاصد دیگری قابل انطباق نباشد چنین عملی شروع به اجرا بوده و قابل تعقیب است. لذا طبق این دیدگاه شروع به ارتکاب جرم هم وابسته به ذهن و هم اقدام مرتکب می باشد (Scheb, 1999, 81). با توجه به نظریات فوق عده ای معتقدند که موضع پذیرفته شده توسط مقنن ایران در وضع ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی هم در بردارنده جهات عینی بوده و هم به جهات ذهنی نظر داشته است (آقایی نیا، ۱۳۸۷، ۹۱). از طرفی اهمیت مسئله شروع به اجرا موجب آن شده که کنترل آن به عنوان یک مسئله قانونی توسط دیوانعالی کشور صورت پذیرد.

**دخالت عامل خارجی:** دومین جزء از عناصر و اجزای رکن مادی شروع به جرم عدم اتمام آن در اثر انصراف غیر ارادی است. بدین ترتیب اصولاً شروع به جرم قابل مجازات مبتنی بر دو امر است. اول: ناتمام ماندن جرم.

دوم: تأثیر عوامل خارج از اراده مجرم در ناتمام ماندن آن. البته با توجه به ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی ظاهراً این شرط مورد پذیرش مقنن ایران قرار نگرفته، ولی در ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی که درباره شروع به قتل عمدی می باشد این شرط مورد پذیرش واقع شده است. در این ماده آمده است: «هرگاه کسی شروع به قتل عمدی نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد...» لذا برای این که شروع به جرم به صورت تمام و کمال به وجود آید کافی نیست که عامل صرفاً وارد مرحله اجرایی گردد، بلکه لازم است میان مرتکب و نتیجه مجرمانه سبب خارج از اراده او مداخله کند و مانع پیدایش نتیجه گردد. این عامل خارجی ممکن است انسان یا یک حادثه

## انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد/ ۵

طبیعی یا حتی خود مرتکب باشد.

### \* رکن معنوی:

با توجه به مواد ۴۱ و ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی یکی دیگر از ارکان شروع به جرم وجود قصد مجرمانه است. بنا براین شروع به جرم از حیث رکن معنوی هیچ تفاوتی با جرم تام ندارد و تنها در رکن مادی از یکدیگر متمایز می شوند. در حالت جرم تام این رکن با تمامی اجزا و عناصر لازم از جمله نتیجه مورد انتظار پدید می آید. اما در شروع به جرم نتیجه مجرمانه تحقق نمی یابد.

### ۲- جرم عقیم و ارکان آن

برخی از علمای حقوق از این دسته از جرائم ناقص تعبیر به شروع به جرم کامل کرده اند و به همین دلیل از شروع به جرم مصطلح که ارکان آن توضیح داده شد تعبیر به شروع به جرم معمولی می کنند. در واقع اقدام مرتکب زمانی جرم عقیم محسوب می گردد که وی کلیه اعمالی را که می تواند به وقوع جرم منجر شود را انجام دهد و در اثر مداخله عامل غیر ارادی نتیجه مورد انتظار او بدست نیاید، بدین ترتیب به نظر می رسد جرم عقیم با شروع به جرم از حیث عدم دسترسی به نتیجه مورد انتظار مشابهت دارد ولی در انجام اعمال مجرمانه با یکدیگر متفاوت اند و همین باعث شده تا علمای حقوق آن را یکی از دو نوع شروع به جرم دانسته و از شروع به جرم اصطلاحی با عنوان شروع ناقص و از جرم عقیم با عنوان شروع کامل یاد کنند. پس اگر بخواهیم رکن مادی جرم عقیم را در مقایسه با رکن مادی شروع به جرم بررسی کنیم با توجه به مواد قانونی که در این باره در بعضی از نظام های کیفری وجود دارد<sup>۱</sup> برمی آید که رکن مادی جرم عقیم مستلزم این است که اولاً تمامی اعمال منتهی به پیدایش جرم انجام یافته و به شکل نهایی پدید آمده باشد یا به عبارتی مرتکب از تمامی فعالیت های مجرمانه اش در راستای جرم مورد نظر فارغ شده تمامی اعمال مادی منجر به تحقق آن را به مرحله اجرا رسانیده باشد. ثانیاً این اعمال به نتیجه مطلوب و

۱. ماده ۴۵ قانون جزای مصر: «شروع عبارت است از شروع به اجرای عملی با قصد ارتکاب جنایت یا جنحه، در صورتی که به سبب مداخله عواملی که اراده مرتکب در آنها دخیل نیست اثر جرم متوقف یا بی نتیجه بماند. مجرد قصد ارتکاب جنایت یا جنحه یا تهیته مقدمات، شروع به جرم محسوب نمی شود.»

ماده ۵-۱۲۱ قانون مجازات جدید فرانسه: «شروع به جرم از زمانی که به واسطه یک شروع به اقدام اجرایی نمود ظاهری پیدا کرده، تحقق می یابد به شرط آنکه در اثر اوضاع و احوال مستقل از اراده مرتکب، آن اثر معلق یا بی نتیجه بماند.»

مورد نظر او منتهی نشده باشد و نتیجه ای را که تعقیب می نموده حاصل نشود و ثالثاً عدم حصول نتیجه معلول عواملی است که از قصد و نیت مرتکب خارج اند و اراده وی در آنها دخیل نیست. همچنین مقصود از رکن معنوی در جرم عقیم همان اراده مجرمانه یا سوء نیت است که در شروع به جرم نیز وجود دارد (حسن فرهودی نیا، همان، ۱۲۹-۱۲۸).

### ۳- انتقال ویروس ایدز، شروع به جرم یا جرم عقیم؟

حال با توجه به بیان ارکان شروع به جرم و جرم عقیم به سوال اصلی خود بازمی گردیم تا ببینیم انتقال ویروس ایدز تا قبل از وقوع نتایج و صدمات حاصل از آن و مخصوصاً مرگ با کدام یک از شرایط برشمرده شده فوق قابل انطباق است. انتقال ویروس ایدز هنگامی انجام می شود که مرتکب با توسل به یکی از روش های انتقال آن (ارتباط جنسی، تزریق خون و فرآورده های خونی آلوده، استفاده از سرنگ و وسایل برنده آلود و غیره) اقدام به آلوده ساختن دیگری کند. به عبارت دیگر تمامی اعمالی را که لازم است انتقال ویروس تحقق یابد انجام می دهد، ولی به دلیل این که نوع عملکرد تخریبی این ویروس به نحوی است که به طور طبیعی مدتی بعد از ورود به بدن آثار و نتایج خود را بروز می دهد، لذا بلافاصله به صدمه و وقوع مرگ نمی انجامد و این امر خارج از اراده شخص منتقل کننده می باشد. پس با توجه به این تفاسیر می توان گفت فردی که ویروس ایدز را به قصد صدمه زدن به شخص از راه های انتقال آن به او منتقل کرده، در واقع تمامی اعمال منتهی به پیدایش جرم را انجام داده است نه این که بخشی از آن را انجام داده و در بین راه متوقف شده یا صرفاً اقدام به انجام اعمال مقدماتی با قصد حصول مرگ کرده است. همچنین در انتقال ویروس ایدز اگر با قصد قتل باشد چون این نتیجه بلافاصله بعد از آلوده شدن قربانی رخ نمی دهد، پس با آنچه مورد انتظار جانی بوده متفاوت است و این عدم حصول نتیجه به خاطر نوع عملکرد این ویروس است که صدمات حاصل از آن مدتی بعد از ورود آلودگی به بدن روی می دهد و اراده مرتکب نیز در آن تأثیری ندارد؛ سوالی که ممکن است مطرح شود این است که اگر مرتکب بداند عملکرد ویروس ایدز به نحوی است که صدمات آن مدتی بعد از ورود آلودگی به بدن روی می دهد و در این حال با قصد قتل اقدام به انتقال ویروس ایدز به دیگری کند آیا عنوان شروع به قتل بر رفتار این فرد منطبق است؟

## انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد/۷

یا در مثال مشابهی که مرتکب می‌داند اثر سمی معین مدتی پس از ورود به بدن اثر خود را می‌گذارد و (منتهی به مرگ می‌شود) و با این علم و به قصد قتل غذای قربانی را به سم آغشته سازد یا آمپولی محتوی سم را به بدن او تزریق کند، آیا مصداق شروع به قتل است؟

در پاسخ می‌توان گفت همانطور که اشاره شد چون ما در این جا با عامل کشنده ای روبرو هستیم که با ورود به بدن انسان آثار زیانبارش در طی زمان بروز می‌کند لذا مسئله اساس این است که اقدام به انتقال این ویروس تا پیش از ظهور علائم و صدمات ناشی از آن تحت چه عنوانی قابل تعقیب است. ادراه حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۴۴۶۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۷ در خصوص انتقال ویروس ایدز و حصول نتایج آن بیان داشته است: «چنانچه شخصی عالماً عامداً دیگری را مبتلاً به ایدز نماید، این جنایت عمدی است و بر حسب نتیجه ممکن است محکوم به قصاص (در صورت مرگ طرف به این علت) یا دیه و ارش شود... و چنانچه عمدی در کار نباشد حسب مورد ممکن است جنایت شبه عمد باشد که دیه یا ارش آن بر عهده فاعل است» (اباذری فومشی، ۲۳۰، ۱۳۸۶).

همچنین در نظریه شماره ۷/۲۲۳۹ مورخ ۱۳۷۸/۸/۶ در خصوص آثار اقدامات مجرمانه در زمان و تبعات آن آمده است: «اگر ضرب و جرح و قتل در یک زمان و توسط یک نفر اتفاق افتاده باشد فقط مجازات قتل را خواهد داشت و اگر در زمان‌های مختلف باشد حکم هر کدام مستقلاً تعیین می‌شود» (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۴، ۲۴۶).

لذا با توجه به سوال مطرح شده در صورت انتقال ویروس ایدز و قبل از بروز صدمات آن، اقدام فرد باز هم شروع به ارتکاب قتل عمد می‌باشد. چون همانطوری که برای عمدی دانستن قتل اقدام مرتکب باید از روی علم و آگاهی و به قصد حصول مرگ مجنی علیه باشد یا اقدام مجرمانه با علم به کشنده بوده آن صورت پذیرد.<sup>۱</sup> در شروع به ارتکاب قتل عمدی نیز مرتکب باید رفتار مجرمانه

<sup>۱</sup> ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی:

«قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

الف- مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.

ب- مواردی که قاتل عمداً کاری انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

ج- مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری و یا توانی یا کودکی و امثال آن‌ها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.

را با آگاهی و به قصد قتل انجام دهد یا با اطلاع از کشنده بودن آن دست به این کار بزند. به عبارت دیگر عنصر معنوی شروع به ارتکاب قتل عمدی سوء نیت عام و قصد قتل است و در ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی تفکیکی میان قتل با قصد و قتل با فعل نوعا کشنده به عمل نیامده است (زراعت، ۱۳۸۲، ۲۹۳). لذا برای تشخیص این که شروع به اجرای جرم تحقق یافته است یا نه علاوه بر عملیات اجرایی باید به وضع ذهنی یا روانی مجرم هم توجه کرد اگر عملی که انجام شده به طور مسلم بیانگر قصد ارتکاب جرم باشد به عنوان شروع به جرم قابل مجازات است (معاونت آموزشی قوه قضائیه، ۱۳۸۷، ۴۶).

بنابراین اقدام شخصی که می داند عملکرد ویروس ایدز یا سم مورد استفاده به نحوی است که صدمات آن مدتی بعد از ورود آلودگی به بدن روی می دهد و با این حال با قصد قتل اقدام به انتقال عامل کشنده می نماید، شروع به ارتکاب قتل عمدی می باشد. زیرا با توجه به توضیحات داده شده عمل انتقال را هم با آگاهی از کشنده بودن بیماری انجام داده و هم با قصد قتل مجنی علیه دست به این کار زده است.

از این رو می توان گفت انتقال ویروس ایدز اگر به قصد قتل شخص باشد، یا با آگاهی نسبت به عملکرد تدریجی ویروس ایدز در خصوص بروز صدمات آن باشد، تا قبل از حصول نتیجه مزبور نوعی جرم عقیم یا همان شروع به جرم کامل است. حال با توجه به این نتیجه سوال اساسی دیگری که مطرح می شود این است که آیا در حال حاضر این مسئله قابل تطبیق با ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی می باشد؟ یا به عبارتی دیگر ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی که در باب ارتکاب شروع به قتل عمدی است، شامل شروع به جرم کامل نیز می شود؟ برای یافتن پاسخ این سوال شایسته است ضمن بیان ارکان شروع به قتل عمدی به پیشینه این بحث که در بین علمای حقوق جزای ایران سابقه دارد برگردیم تا بدانیم آیا مقررات جزایی ایران درباره جرم عقیم (شروع به جرم کامل) که یکی از مصادیق آن انتقال ویروس ایدز تا قبل از حصول صدمات آن است، حکم خاص قانونی دارد یا خیر؟

### ۳- ۱ شروع به قتل عمدی وارکان آن

براساس ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی شروع به قتل عمدی جرم وقابل مجازات دانسته شده است. ماده مذکور مقرر می دارد: «هر گاه کسی شروع به قتل نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد.» بنابراین در حال



## انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد/۹

حاضر ماده مذکور رکن قانونی «شروع به قتل» تلقی می شود. رکن مادی شروع به قتل عمد نیز با توجه به آنچه در باب رکن مادی شروع به جرم گفته شد عبارت است از آغاز عملیات اجرایی، وجود شخص زنده، وعدم انصراف از روی اراده. بنابراین اصولاً شروع به قتل عمدی مبتنی بر دو امر است، اول ناتمام ماندن جرم و دوم تاثیر عوامل خارج از اراده مجرم در ناتمام ماندن آن است. امر نخست سبب تمیز «جرم تام»، از «شروع به جرم» قتل است و مسئله دوم باعث می شود شروع به جرم قتل قابل مجازات از شروع به عملیات اجرایی غیر قابل مجازات تمایز یابد. همچنین رکن روانی شروع به قتل عمدی نیز شامل دو جزء است: «سوء نیت عام» ناظر بر قصد مجرمانه و «سوء نیت خاص» که ناظر بر نتیجه مجرمانه است. (رسولیان، ۱۳۸۸، ۱۸۹-۱۸۰)

۲-۳ مجازات جرم عقیم در احکام عمومی شروع به جرم وماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی در مورد امکان مجازات جرم عقیم بر مبنای ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی نظرات مختلفی ابراز شده بود. برخی از صاحب نظران با اذعان به این که در قانون مجازات عمومی سابق ماده قانونی خاصی درباره جرم عقیم وجود نداشته، ماده ۲۰ قانون جزای اصلاحی سال ۵۲ را شامل جرم عقیم دانسته اند. در این ماده آمده بود: «هر کس قصد ارتکاب جنایتی کرده و شروع به اجرای آن نماید ولی به واسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آن مدخلیت نداشته است قصدش معلق یابی اثر بماند و جنایت منظور واقع نشود...» لذا بر همین اساس اظهار نظر نمودند که قسمت (یا بی اثری بماند) از ماده فوق ممکن است تا اندازه ای منطبق با جرم عقیم باشد. از طرفی عده ای نیز معتقد بودند با توجه به این که در قانون اشاره صریحی به جرم عقیم نشده، اعمال مجازات در مورد جرم عقیم محل تردید و ابهام است (حسین فرهودی نیا، همان، ص ۱۲۵) دیدگاه های اختلافی مذکور بعد از تصویب ماده ۱۵ قانون راجع به مجازات اسلامی وماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی نیز وجود داشت<sup>۱</sup>. به همین دلیل عده ای معتقدند، اصل قانونی بودن جرایم ومجازات ها و امتناع از تفسیر

<sup>۱</sup> ماده ۱۵ قانون راجع مجازات اسلامی: «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرا آن نماید ولی به واسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آن مدخلیت نداشته قصدش معلق بماند و جرم منظور واقع نشود چنانچه عملیات واقداماتی که شروع به اجرای آن کرده جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود والا تادیب خواهد شد» ماده ۴۱ ق.م.ا: «هر کس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود.»

موسع قوانین کیفری مانع از آن است که بتوان ماده ۴۱ ق.م.ا. را در مورد جرم عقیم تسری داد. (اردبیلی، ۱۳۸۹، ۲۳۲) در مقابل عده ای نیز بیان می دارند: هر چند قانون گذار در ماده ۴۱ ق.م.ا. در بحث شروع به جرم، اشاره ای به جرم عقیم نکرده و تنها به ذکر عبارت «جرم منظور واقع نشود» اکتفا کرده است، مع هذا معنی و مفهوم مطلق عبارت مزبور دلالت بر مصادیق آن دارد و جمله «واقع نشود» در این عبارت مطلق است و اعم است از اینکه، واقع نشدن جرم منظور، در مرحله عملیات اجرایی متوقف شده باشد و یا اینکه عملیات اجرایی جرم پایان یافته و به عللی جرم منظور واقع نشود.

از طرف دیگر چون مرتکبین جرم عقیم از نظر قصد مجرمانه و سایر اقداماتی که انجام می دهند از نظر ماهوی با کسی که مبادرت به شروع به جرم می کند فرقی ندارد، منطقی نیست که این مرتکبین را قابل مجازات ندانیم بلکه مصالح جامعه و دفاع در مقابل خطرات احتمالی این گونه اعمال، لزوم عکس العمل مناسب با رفتار آنها را توجیه می کند. لذا می توان مرتکبین جرم عقیم را به عنوان شروع کننده جرم، قابل تعقیب و مجازات دانست و مشمول حکم ماده ۴۱ ق.م.ا. قرار داد (ولیدی، ۱۳۷۴، ۲۴۷). به نظر می رسد نظریه اخیر از قوت بیشتری برخوردار باشد. زیرا فرض این است که در جرم عقیم مرتکب عملیات مجرمانه را خاتمه داده است، (در موضوع ما انتقال و بیروس ایدز صورت گرفته) لیکن عملیات اجرایی وی بنا به عللی بی اثر مانده است (نتایج حاصل از انتقال این ویروس براساس عملکرد آن مدت زمانی بعد از انتقال آن حاصل می شود نه بلافاصله). پس حداقل متهم، مرحله پایانی شروع به جرم را پشت سر گذاشته و بنابراین تحت این عنوان، مستحق مجازات خواهد بود.

همچنین در حال حاضر در خصوص ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی عده ای از حقوقدانان صراحتاً اظهار نظر نموده اند که «شروع به قتل عمدی زمانی تحقق می یابد که فردی به قصد سلب حیات از دیگری مبادرت به انجام عملیاتی داخل در عنصر مادی قتل عمد نماید، ولی قصد مرتکب به عللی خارج از اراده معلق و بی اثر مانده و عملیات اجرایی به نتیجه مورد نظر مرتکب ختم نگردد» (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ۳۴۷). به عبارت دیگر در جرم قتل، شروع به جرم به حالتی گفته می شود که عدم تحقق نتیجه خارج از اراده مرتکب باشد که این حالت هم شامل شروع کامل وهم شروع ناقص می گردد که از مصادیق شروع به جرم می باشد (زراعت، ۱۳۸۵، ۱۰۰). پس می توان

## انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد/۱۱

چنین نتیجه گیری کرد که ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی در بحث حاضر ما قابل اعمال است و انتقال ویروس ایدز اگر به قصد قتل شخص باشد تا قبل از حصول نتیجه به عنوان شروع به قتل عمدی قابل تعقیب می باشد. لذا می توان گفت، عدم تحقق نتیجه در ماده ۶۱۳ یا می تواند معلول ناتمام ماندن عملیات اجرایی باشد (شروع به جرم ناقص) و یا علی رغم اتمام عملیات اجرایی به جهت عدم اثر بخشی آنها باشد (شروع به جرم کامل) همچنین عمدی دانستن شروع به قتل در فرض مورد نظر، به دلیل وجود دو جزء عنصر روانی شروع به قتل می باشد: «عمد عام» ناظر به قصد فعل مجرمانه، یعنی مرتکب به میل و اختیار خود و آگاهانه شردوع به عملیات اجرایی قتل بر روی جسم و جان مجنی علیه نماید و همچنین «عمد خاص» ناظر به قصد نتیجه مجرمانه، یعنی مرتکب یا قصد کشتن مجنی علیه را بنماید (صرف نظر از کشنده یا غیر کشنده بودن عمل ارتكابی) و یا با علم به این که عمل او نوعاً و عادتاً منجر به مرگ مجنی علیه می شود، حصول نتیجه را خواستار گردد به همین دلیل چون شروع به جرم مستلزم آن است که شخص برای انجام امری برنامه ریزی و سپس با تهیه مقدمات شروع به اجرای آن نماید، این امر مشروط بر آن است که مرتکب دارای قصد و اراده مجرمانه باشد (رسولیان، همان، ۱۸۹).

بنابر این چنانچه شخصی از روی اختیار و آگاهی اقدام به انتقال ویروس ایدز به دیگری نماید (انجام عملیات اجرایی قتل) و این کار با قصد کشتن مجنی علیه انجام دهد یا با علم به این که عمل او نوعاً و عادتاً منجر به مرگ مجنی علیه می شود، اقدامات انجام گرفته تا قبل از حصول مرگ به عنوان شروع به قتل عمدی قابل شناسایی است.

از طرف دیگر نه تنها شایسته نیست هنگامی که عملیات اجرایی قتل عمد ناتمام می ماند، ما آن را مشمول عنوان شروع به قتل عمدی بدانیم و در جایی که این اعمال به صورت کامل انجام یافته و شخصیت خطرناک متهم کاملاً نمود یافته، آن را مشمول عنوان شروع به ارتکاب قتل عمدی و ماده ۶۱۳ ندانیم، بلکه باید در این قبیل موارد مجازات شدیدتری نیز برای مرتکب آن در نظر گرفت.<sup>۱</sup>

از جمله اشکالاتی که در این باره ممکن است مطرح شود این است که از آنجا که ورود بیماری ایدز در بدن قربانی، سرانجامی جز مرگ وی را به دنبال نخواهد داشت؛ فلذا مجازات نمودن

---

۱. در حال حاضر چون در این خصوص به جز ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی مقرر قانون دیگری برای مجازات این قبیل افراد نداریم، این ماده قابل اعمال می باشد و به هر حال شایسته است در زمینه انتقال ویروس ایدز با درک اهمیت موضوع قانونگذاری صحیح و جامع از جانب مقنن برای اعمال مجازات شایسته صورت پذیرد.

انتقال دهنده آن یکبار براساس شروع به قتل و پس از فوت مجنی علیه ، طبق قتل عمد خلاف ضوابط حقوقی و عدالت کیفری است زیرا این امر مستلزم آن خواهد بود که جرم واحدی را با دو مجازات کاملاً متعارض کیفر نماییم (احسان پور، ۱۳۸۷، ۱۰۵). اما این اشکال صحیح به نظر نمی رسد زیرا مطلب مذکور زمانی صحت دارد که ما نتیجه واحد ناشی از اقدام مجرمانه را با دو عنوان کیفری مجازات کنیم که در این صورت می توان گفت جرم واحد را با دو مجازات کیفر داده ایم ولی در بحث از انتقال و ویروس ایدز ، چون این اقدام دارای نتایج مختلف است که در طی زمان بروز می کند ، هر کدام از این نتایج می تواند دارای عنوان کیفری خاص خود باشد. پس تعیین مجازات برای هر یک از این نتایج و صدمات مخالف با عدالت کیفری نخواهد بود.

از طرفی اگر شخصی اقدام به انجام اعمالی جهت آلوده سازی و انتقال و ویروس ایدز به دیگری نماید ولی در هر حال انتقال و ویروس ایدز صورت نگیرد ، با توجه به کشنده بودن این عمل احتمال محکوم کردن مرتکب آن به شروع به قتل عمدی براساس ماده ۶۱۳ باز هم امکان پذیر می باشد. همچنین در کانادا در پاره ای از پرونده های مربوط به « تهاجم » که در آن متهم از عفونت اچ. آی . وی. به عنوان سلاح استفاده نموده و ظن منطقی وجود دارد که عمل مزبور را به قصد ابتلا دیگری به این بیماری انجام داده ، تعقیب کیفری مرتکب ذیل عنوان « شروع به قتل عمد » صحیح دانسته شده است (احسان پور، ۱۳۸۸ ، ۱۲۵).

در آلمان نیز گفته شده اگر فردی که می داند مبتلا به و ویروس ایدز است و علیرغم توصیه پزشکان، با افراد مختلف رابطه برقرار کند و البته هیچ یک از آنها مبتلا نشوند، بعید نیست چنین شخصی را بتوان به « شروع به ایراد صدمه جسمانی » محکوم کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، ۸۷).

### نتیجه گیری

از جمله مواردی که امروز می تواند به عنوان عاملی برای ارتکاب جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص باشد، انتقال و ویروس ایدز است. با توجه به اینکه از زمان آلوده شدن بدن به این و ویروس تا هنگام وقوع سنگین ترین نتیجه آن یعنی مرگ قربانی ، ممکن است مدت زمان بسیار زیادی طول بکشد ، به نظر می رسد عمل انتقال این بیماری طبق ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی و تحت عنوان شروع به ارتکاب قتل عمدی ، قابل مجازات باشد. زیرا هنگامیکه فردی و ویروس ایدز را از راه های انتقال آن به دیگری منتقل می کند در واقع تمامی اعمال منتهی به پیدایش جرم را انجام داده است.

## انتقال ویروس ایدز و شروع به ارتکاب قتل عمد/۱۳

ولی نتایج این عمل بلافاصله بعد از آلوده شدن قربانی رخ نمی دهد و این موضوع با انتظار جانی متفاوت است و اراده وی نیز در آن تاثیری ندارد. لذا این اقدام نوعی جرم عقیم یا همان شروع به جرم کامل است. که ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز شامل آن می شود.

### فهرست منابع

فارسی

- آقای نی، حسینی، (۱۳۸۷)، **حقوق کیفری اختصاصی ( جرایم علیه اشخاص )**، تهران، انتشارات میزان ، چاپ چهارم.
- ابادری فومشی ، منصور ، (۱۳۸۶)، **مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی** ، تهران ، نشر سپهر.
- احسان پور ، سیدرضا، (۱۳۸۸)، **مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس ایدز** ، تهران ، انتشارات حقوقی، چاپ اول .
- ایرانی ارباطی، بابک، (۱۳۸۴)، **مجموعه نظرهای مشورتی جزایی**، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
- افراسیابی، محمد اسماعیل، (۱۳۸۲)، **حقوق جزای عمومی (جلد ۱)**، تهران ، انتشارات فردوسی، چاپ چهارم.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، **حقوق جزای عمومی (جلد ۱)** تهران، نشر میزان، چاپ بیست و چهارم.
- ایمانی، عباس، (۱۳۸۲)، **فرهنگ اصطلاحات کیفری**، تهران، نشر آریان، چاپ اول.
- رسولیان، حرمت الله ، (۱۳۸۸)، **شروع به جرایم مستوجب مجازات در حقوق کیفری ایران**، تهران ، نشر آثار اندیشه، چاپ اول.
- زراعت، عباس، (۱۳۸۴)، **حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)**، تهران ، انتشارات فکرسازان، چاپ سوم.
- زراعت، عباس، (۱۳۸۲)، **شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات**، تهران، چاپ شمشاد، چاپ اول.
- عزیزمحمدی- سوسن، محمد مسعود و کیلی ، ویژن قبادیان ، (۱۳۸۰)، **جهان در دام ایدز**، تهران، ناشر گلرنگ یکتا، چاپ اول.
- عباسی، محمود، (۱۳۷۹)، **مجموعه مقالات حقوق پزشکی**، تهران، چاپ پژمان، چاپ اول.
- فرهودی نی، حسن، (۱۳۸۱)، **جرایم ناقص**، تبریز، انتشارات فروزش ، چاپ اول.

۱۴ / فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱

- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۰)، **بابسته های حقوق جزای عمومی**، تهران ، نشر میزان، چاپ چهارم.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۶)، **جرایم علیه اشخاص**، تهران ، نشر میزان، چاپ اول.
- معاونت آموزش قوه قضائیه، (۱۳۸۷)، **نکته های از مقالات حقوقی در امور جزایی**، جلد اول، قم، نشر قضا، چاپ اول.
- ولیدی ، محمد صالح، (۱۳۷۴)، **حقوق جزای عمومی (ج ۲)**، تهران، نشر داد، چاپ سوم.
- احسان پور، سیدرضا، (تابستان ۸۷)، « **ایدز و حقوق کیفری**»، تهران، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دوم، شماره پنجم.

لاتین

- Elliott Catherine, Frances Quinn, (2000), **Criminal law**, Pearson education limited 1996.
- Martin, Elizabeth, (2000), **A dictionary of law**, newyork, Oxford University, press.
- Padfield, Colin, Barker, D.L.A, (2000), **Law made simple**, Tehran, majd.
- Schep, John, (1999), **Criminal law**, united states, international publishing company.